



محمدعلی باشه آهنگر فیلمساز
هر چه سرا در کرمان بود،
میهمان پذیر شد

حدود یک ماه پیش میهمان هنرمندان کرمان و رفسنجان بودم. خونگرمی، مهربانی و میزبانی آنها به گونه‌ای بود که گویی در شهر خودم بودم. همه آتپهایی که در کنارشان بودم در تدارک پذیرایی شایسته از صدها هزار زائر شهید حاج قاسم در چهارمین سالگرد شهادت او بودند. هر چه سرا در کرمان بود، در صورت امکان میهمان پذیر قرار می‌گرفت. برنامه‌های فرهنگی و هنری و چگونگی اجرای آن و تهیه خورد و خوراک هموطنان تمام و کمال در برنامه‌ریزی دیده می‌شد. آنها پیش‌تر همه وجودشان را برای ایران عزیز تقدیم کرده بودند. گل سرسید این فدیة ذبح عظیم ۱۳ دی ۱۳۹۸ بود. حاج قاسم که اطمینان دارم اگر طراحان عملیات بزرگانه ترور او شعور داشتند و توان درک و شناسایی ایرانیان به هنگام بحران‌های این چنینی را داشتند، به طور حتم این جنایت را انجام نمی‌دادند. خداوند در قرآن کریم شهید را زنده و حاضر و ناظمی می‌داند و تنها در مواجهه با شهید به تأثیر روح و روان او در جهان فانی و البته باقی اشاره مستقیم دارد. شهید حاج قاسم تا در این جهان فانی بود تنها عکس، خبرهای کوتاه، فیلم‌های خبری و گزارش‌های از مأموریت‌هایش به اطلاع مردم می‌رسید و سربازانش در آرزوی دیدن او در صدها و بل هزاران جبهه چشم به راهش بودند. پس از شهادت این مرد خانه همه و همه در هر جا در عراق، یمن، سوریه، لبنان، ایران، افغانستان و غزه مستقیم با روح و روانش در ارتباطند. او را حاضر و ناظمی می‌دانند و به عشق او در مسیر او قرار می‌گیرند. حالا هر چه نامی از خود دارد در دوسری برای قاتلان شده است. عکسش، فیلمش، کلامش، خاطراتش، دوستانش، روایتش، مزارش، شهرش، کشورش، قدمگاهش و بسیاری از راهزایش در زندگی در دوسری است که اگر هزاران بزم برای از بین بردن آن هزینه کنند از بین نمی‌رود بلکه تکثیر می‌شود. کشورم سال‌هاست مظلوم‌ترین شهید را پرورش داده است. سال‌های جنگ را بسیاری به خاطر ندارند، اما من و امثال من که خانه‌هایمان ویران شد و بسیاری از خانواده‌ها همچنان درگیر آسیب‌های پس از تجاوز ۸ ساله هستند، از این بلا یا که در پس آن حکمتی رازگونه است، بسیار دیده‌ایم. این جنایت که شیوه ترسویمان عالم است راه به جایی نمی‌برد. این حس و حال تکثیر می‌شود و سال دیگر سالگرد دیگری به دنبال دارد. جنایتکاران گلزار شهدای کرمان اشتباه کرده‌اند در لوح مسطور و محفوظ خداوندی نوشته شده است هر آنچه به آسمان می‌رود و هر آنچه بر زمین می‌رود و چه کسانی در دوزخ جهان فانی و جهان باقی تا ابد خواهند ماند و چه کسانی تا سده‌ها آئینده خواهند رفت. جایی کنار درخت بزرگ در بالای عرش. آنجا که نور خدا روح انسان شهید را در بر می‌گیرد. جایی که بزم شهیدان برپاست. جایی که روح نورانی شهید قدس جلوه‌گری می‌کند و جایی که شهیدان گلزار کرمان را میزبانی خواهد کرد و خدا کند برای ما که دستهایمان خالی است، جایی باشد. به ان الهی و تدبیر او که هم اول است و هم میانه است و هم آخر.



امیرعسای ربیعی | کارگردان
جهان به قله زیبای حقیقت رخ
خواهد کرد

ترور نشانه ضعف است. ضعف در برابر مردمی مؤمن که غلغله‌کنان راه سلیمانی عزیزشان را بی‌گرفته‌اند و شهادت لازمه این جوشش و سرانجام نفس زدن دم کشیدن است. مقاومت و امید که مرام حق خواهان است، لنگر دشمن را چنان به گل انداخته که از بی‌زوری به کودک‌کشی رسیده چرا که خوب می‌داند. بهمین ۵۷، کوچ دوده‌بزرگی از مردم آزاده را در پی داشته که گروه از تار و پود تار و تارک جهان باز می‌کنند و دیری نمی‌پاید که جهان به قله زیبای حقیقت رخ خواهد کرد.

فرهنگی

کمی بعد از جنایتی که هر هموطنان کرمانی مان گذشت علی کریمی، در صفحه شخصی‌اش جمله‌ای نوشت که سنگینی این داغ را بر دل یک به یک مردم دودخچندان کرد؛ او به گناهی و بالحنی تمسخرآمیز نوشت: «برای غذای نذری و شربت بری ولی انتقام سخت نصیبت بشه...»، انتشار این پست با واکنش‌های مختلفی همراه شد. در این بین اهالی فرهنگ و هنر نیز هریک به طریقی خشم و انزجار خود را نسبت به نوشته کریمی نشان دادند و او را به واسطه موضع‌گیری‌اش در قتل کودکان، زنان و مردم بی‌دفاع کرمانی شریک خواندند.



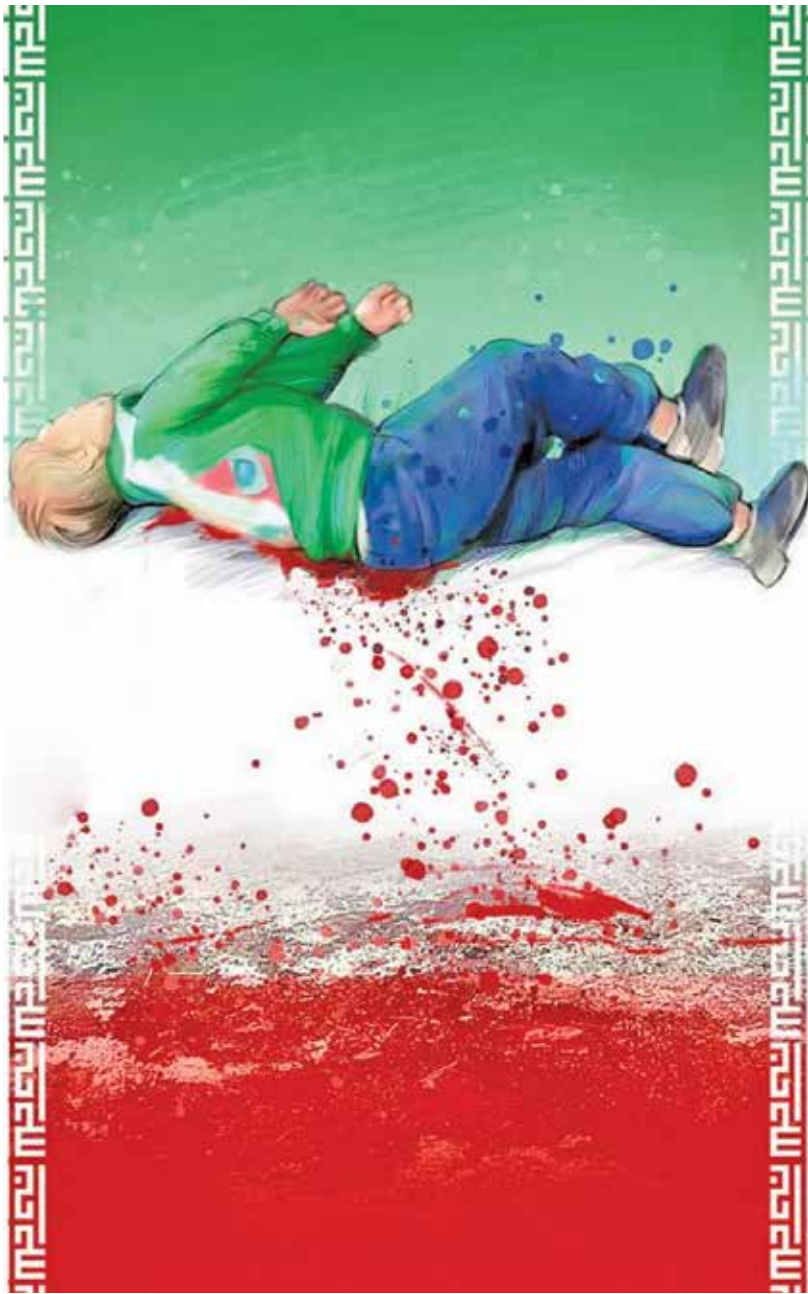
محمد حسین قاسمی: تمسخر مرگ (شهادت) هموطنان عینیت کامل بی‌معرفی، بی‌شرفی، بی‌همه چیز بودن و تهی بودن از کمترین خصیصه‌های انسانیت. اما سؤال اینجاست که آقای علی کریمی، ای بی‌شرف، چه شد که به این درجه از ذلالت رسیدی!!!!؟ چه نان حرامی وارد سفره ات شده که وجودت از انسانیت عریان و تهی گشته!!!!!!

اهالی سینما از داغ مشترک حادثه تروریستی کرمان برای «ایران» نوشته‌اند

آه از غمی که تازه شود با غم دگر...

فرهنگی

گروه فرهنگی | «کاپشن صوتی و گوشواره قلبی»؛ این عبارات توصیفی، تمام شناسنامه اوست. شناسنامه دختری که هر کدام‌مان با همین عبارات تصویری برایش در ذهن مان خلق کردیم؛ برخی شبیه به همان تصاویری که هوش مصنوعی ساخت و بسیاری شبیه به کودکی از خودمان. برای تک‌تک لغات همین عبارت یک خطی تخیل کردیم و قصه بافتیم. از رنگ لباسی که ذوق پوشیدن‌اش را داشت تا گوشواره‌ای که شاید هدیه تولدش بود. خاطره ساختیم و واکنش و احساسات کودکی‌اش را به هر خاطره در ذهن مان تداعی کردیم تا به روز حادثه رسیدیم و دوباره موتور قصه‌یافتی ذهن مان متوقف شد. آتش گرفتیم و باران شدیم و باریدیم و باز دوباره به قاعده یک عمر از او تصویر ساختیم و هر لحظه‌اش را از نزدیک در کنار او تجربه کردیم تا جایی که دختری با کاپشن صوتی و گوشواره قلبی، شد عضوی از خانواده‌مان که انگار گمش‌اش کرده بودیم؛ عضوی مشترک در هر خانه ایرانی که غمی مشترک شد. شبیه به داغ همان پسر بچه‌ای با تی شرت سبز چمنی و شلوار مشکی که کم‌نشد، تکثیر شد و در روز ناتمام مادر، تمام ایران برایش مادری کرد. ترازوی ۱۳ دی‌ماه کرمان به سوگ جمعی دیگری تبدیل شد و اهالی فرهنگ و هنر نیز از این غم و اندوه نوشتند. علاوه بر بازتاب واکنش چهره‌های شناخته شده فرهنگی در فضای مجازی، هادی حجازی‌فر، محمدعلی باشه آهنگر، امیرعسای ربیعی، مهرداد خوشبخت، بابک خواجه‌پاشا و... در یادداشت‌های اختصاصی برای «ایران» از حادثه تروریستی در کرمان در روز ۱۳ دی‌ماه نوشته‌اند که در ادامه می‌خوانید:



هادی حجازی‌فر | بازیگر و کارگردان
مادرانی خیره به عکس فرزند و
پدرانی که یک شبه موسفید کردند

از سال شصت و شش و بعد از کربلای پنج، تمام سال تحویل‌های ما در مزار شهدای خوی بود. کنار بی‌شمار خانواده‌هایی که عزیزانشان در آن آرام گرفته بودند. مادرانی خیره به عکس فرزند، پدرانی یک شبه موسفید کرده، سیگار به دست و خیره به رنگ‌هایی که از حاکای نام فرزندشان بر سنگ قبر بیرون زده... کودکانی بی‌خبر که از تو در توهای فلزی قبور بازی می‌ساختند.

آن پرچم‌های سه‌رنگ و بادی که کمی مانده به سال تحویل در آن قطعه نورانی مشرف به دشت خوی می‌پچید. صدای کوبیده شدن پرچم‌ها به خود، زمزمه آرام آه داغی سال تحویل... و پدر که بین مزار دو برادر بیست و هفت ساله و بیست و نه ساله‌اش هروله می‌کرد و دلش نمی‌آمد در آن لحظه پیش یکی از آنها باشد. ما با این آندوه‌ها و شکفتی‌ها بزرگ شدیم. سال تحویل، برف بود یا یاران، اول صبح بود یا نصف شب فرقی نمی‌کرد. این آیینی ناخوشنه بود که برقرار بود و ماند. آتپهایی که اینها را تجربه نکرده باشند نمی‌دانند پنجشنبه‌های گلزار یعنی چه؟ نمی‌دانند که فاتحه خواندن و چرخیدن میان آن باکس‌های آلومینیومی و عکس‌های رنگ و رو رفته شهدا با آن تزیینات ریز یعنی چه و الهی که هرگز ندانند و سفره‌های سال تحویل‌شان در خانه و کنار عزیزانشان برقرار باشد.

اما می‌دانم و یقین دارم روح نفرت از رهروان این آیین چه سایه در سیاهی می‌تواند باشد. روح انتقام از این مداومت و آندوه به باور نشسته... حالا باور دارم، فرقی نیست بین آنکه انتحار می‌کنند و زن و بچه و پیر و جوان می‌کشد و کسی که این آیین را تقلیل می‌دهد حتی ناخواسته، حتی به واسطه جهل و عدم شناخت هموطن داغ‌دیده‌اش.

غم‌گیرم اما یقین دارم این آیین عزیز پر خون پابرجا خواهد ماند به بهای برقراری و حیات ایران عزیز. می‌دانم؛ باز در آن لحظه‌های نو شدن، بسیاری بین عزیزانشان هروله خواهند کرد... اما مهم این است که با، و ساز در پرچم‌ها خواهد وزید و هلله سبزو سپید و سرخمان در آن قطعات نورانی و به وسعت ایران عزیز خواهد پیچید.



بابک خواجه‌پاشا | کارگردان
کرمان بغضش گرفته بود

حدوداً ساعت سه ظهر بود. همه در آرامش بودند. روی صندلی‌های مترو آرام‌آرام کپ و گفت‌وگویی بین یکی دو نفر شکل می‌گرفت. انگار دیگر آرامش چند دقیقه پیش در جریان نبود. فضا به هم ریخته بود. وقتی از میان مسافرهای ایستگاه متروی قیطریه رد می‌شدم، خبری را از دهانشان می‌شنیدم که سعی می‌کردم باورشان را محال بدانم. کوشی را که چک کردم جانم درآمد. مردمان شریفی را غلتانیده در خون دیدم. کبود، زن، مرد. کرمان بغض گرفته بود. ترور، این زشت‌ترین عمل تاریک بشری به یکباره کشوری را غمبار کرده بود. هیچ چیز برای من تلخ‌تر از مرگ هموطنم نیست. آتپهایی که تمام جان این سرزمین هاستند. سرزمینی که برای آرامشش عزیزانی سرو قامت جان‌شان را هدیه دادند شهیدانی والا و کرامی. باشد که روزی این خون‌ها آرامش را میهمان ابدی ایران کند. روحشان شاد، یادشان جاودان.

مجا دهقانی: اگر دشمن می‌خواست با این حادثه که در

نزدیکی مزار سردار شهید سلیمانی به وجود آورد ترس را در جان مردم بیندازد با این کار آنها نتیجه عکس می‌گیرد. کسانی مانند علی کریمی که از ریخته شدن خون‌های پاک، خوشحالی می‌کنند، دیگر بشرف نیستند و حتی حیف که کلمه حیوان برای آنها به کار برده شود. چطور می‌توانند درباره خون پاک مردمی که با آن عشق و آن نگاه به کرمان رفتند و این اتفاق برایشان افتاده، این گونه صحبت کنند؟! اظهارات اخیر کریمی تاریکی و شیطان صفتی محض یک انسان است. اتفاقاً خوشحال هستم که این آدم خوشحالی خود را این‌گونه بروز داده است تا جوانان ما چنین افرادی را سرمشق خودشان قرار ندهند. کریمی چگونه می‌تواند برای به خاک و خون کشیده شدن هموطن خودش و خاک خودش و اصل و نسب خودش ابراز خوشحالی کند؟ او بی‌ذات‌ترین و بی‌وجدان‌ترین فردی است که سراغ دارم. **آزاده آل‌ایوب**: خون آن غاصبان جنایتکار درگ توست. کودکان را هم کشتن تو شاد شدی. **رامین راستاد**: حمله تروریستی بی‌هیچ قید و شرطی محکوم است. با هر ایدئولوژی که می‌خواد باشد... اگر غیر از این فکر می‌کنیم وای به حال انسانیت.



● افشین اعلا | شاعر

واکنش هنرمندان

#وطن‌ام تسلیت

«تسلیت کرمان»، «وطن‌ام تسلیت»، «هموطن کرمان به گروه خونی O منفی نیاز دارم» و... مؤلفه‌های تکرار شونده‌ای است که در مرور فعالیت چند روز اخیر اهالی فرهنگ و هنر در فضای مجازی می‌بینیم. تعدادی از چهره‌های هنری و ورزشی در حساب‌های خود در شبکه‌های اجتماعی، حمله تروریستی کرمان را محکوم کردند و ضمن ابراز همدردی با بازماندگان، این حادثه را به مردم ایران تسلیت گفتند. در حوزه‌های سینما، تئاتر و تلویزیون هنرمندانی چون رضا میرکریمی، رسول صدرعاملی، رضا کئیانیان، سید محمود رضوی، امین حیایی، فرهاد قائمیان، محمدرضا گلزار، پرویز پرستویی، احترام برومند، پورنگ علوی، هنگامه قاضیانی، هوتن شکیبا، سحر دولتشاهی، پردیس پورعابدینی، سعید روستایی، ویشکا آسایش، محسن کیایی، سینا مهراد، بهاره افشاری، حبیب رضایی، الهام پاون‌نژاد، از جمله هنرمندانی هستند که با انتشار مطالبی در شبکه‌های مجازی با هموطنان و شهدای این حادثه غیرانسانی و وحشیانه ابراز همدردی کردند. در حوزه موسیقی نیز فعالان عرصه موسیقی و هنرمندانی چون علیرضا قربانی، همایون شجریان، علیرضا عصار، محمد اصفهانی، سهراب پورناظری، سالار غفیلی، محسن چاوشی، وحید تاج، نهموز پورناظری، بهزاد عبدی، محمد معتمدی، علی زندوکیلی، مصطفی زاغب، شهادت مظلومانه هموطنان مان را تسلیت گفتند.



هادی حجازی‌فر:

اما مهم

این است

که با، باز

در پرچم‌ها

خواهد وزید

و هلله

سبزو و سپید

و سرخمان

در آن

قطعات

نورانی و

به وسعت

ایران عزیز

خواهد

پیچید

فرهاد قائمیان: اقدام تأسف‌بار، ناجوانمردانه و مذبحانه تروریستی، در گلزار شهدای شهر کرمان مقارن با سالروز شهادت سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی و شهادت جمع کثیری از مردم عزیز کشورمان، بار دیگر سنگدلی نمایان دشمنان جنایتکار ملت ایران را ثابت کرد. اینجانب ضمن تسلیت به مردم شریف ایران و محکوم نمودن این اقدام ذلیلانه جنایت‌بار، از درگاه خدای متعال برای شهدای این حادثه دلخراش، علو درجات و برای مجروحان، شفای عاجل مسألت دارم.



مهرداد خوشبخت: خیلی متأسف شدم و روح شهدای حادثه کرمان شاد و خدا به خانواده‌های محترمشان صبر بدهد که عزیزانشان را از دست داده‌اند. امیدوارم یک روز این دشمنی‌ها از بین برود که باعث از بین رفتن مردم بی‌گناه می‌شود.



حسام‌الدین سراج: ایران تسلیت. زمین گویای غمی بنهفته داره.



رشید کاکاوند: خون هر هموطنی که برخاک می‌ریزد جراحی بر تن ایران عزیز ماست.



مجید انتظامی: تسلیت هموطن داغ‌دیده #کرمان، تسلیت ایران.



همایون شجریان: تسلیت به هم‌میهمان سوگوارم... تسلیت به سرزمینم ایران... در کنار شما داغدار و سوگوارم.



محمد معتمدی: با انتشار استوری که در تصویر آن شهادت مردم عزیز کرمان را نشان می‌داد در شرح آن نوشته: «از کرمان به عرش»



وحید تاج: دردا و درفقا که در این بازی خونین بازیچه ایران دل آدمیان است. تسلیت به مردم کرمان.



علی قمصری: کشتن هموطنانم را تاب نمی‌آورم. تروریسم خوب و بد نداریم. ترور در نفس خود عملی شیطانی است. تسلیت به کرمان و سوگوارم.



میلاد کی‌مرام: تروریست تا ابد محکوم است، کشتن انسان بی‌گناه تا ابد محکوم است.



حامد بهداد: بسیار متأسفیم برای کشته شدن هموطنان عزیزمان که بی‌گناه و بی‌دفاع زندگی قشنگ خویش را از دست دادند. تسلیت.



افشین هاشمی: دوست داشتم امروز عکسی از مادرم بگذارم، شادباش روز مادر. ولی مگر می‌شود با این همه فرزندان مادر غرق خون دیده، مادران فرزند در آغوش خون کشیده و این همه خون که می‌چکد از دیده.



احسان علیخانی: لعنت بر هر تفکر با عقیده کثیفی که برای اثبات خود، جان انسان‌های بی‌گناه را می‌گیرد. کرمان تسلیت.



علی ضیا: جنایت به هر بهانه‌ای محکوم، خون مظلوم دامن ظالم رو می‌گیره، این سنت الهی است، تسلیت به ملت شریف ایران و مردم کرمان.

